

بصیرت‌های حاصله از مرزهای یادگیری^۱

سندی از

دارالتبلیغ بین‌المللی

مرکز جهانی بهائی

آوریل ۲۰۱۳

^۱ منظور محدوده‌های جغرافیایی هستند که در صف مقدم یادگیری قرار دارند.

بصیرت‌های حاصله از مرزهای یادگیری

مقدمه

۱. محدوده‌های جغرافیایی واقع در مرزهای محدوده جغرافیای یادگیری

- ۱,۱ آهنگ پایداری از ترویج و تحکیم
- ۱,۲ ظهور یک فرایند آموزشی با پایه‌های محکم
- ۱,۳ پیشرفت‌هایی در جامعه‌سازی
- ۱,۴ یک طرح سازمان‌دهی مؤثر
- ۱,۵ مشارکت بیشتر در زندگی اجتماع

۲. برنامه‌های نوپدید رشد

- ۲,۱ تأسیس مبنایی برای ایجاد ظرفیت
- ۲,۲ گسترش حدود دسترسی فعالیت‌های اساسی

۳. تشدید فعالیت‌ها

- ۳,۱ ارتقای کیفیت فرایند مؤسسه
- ۳,۲ ایجاد ساختارهای بزرگ‌تر به موازات افزایش پیچیدگی
- ۳,۳ تشدید مجهودات جامعه‌سازی در محله‌ها و دهکده‌ها
- ۳,۴ شناسایی موانع پیش روی پیشرفت پایدار و غلبه بر آنها
- ۳,۵ دستیابی به جوانان در میان جمعیت‌های مستعد
- ۳,۶ دوستی‌های مداوم

۴. تقویت ظرفیت تشکیلاتی به منظور حمایت از حرکت محدوده‌های جغرافیایی

- ۴,۱ مؤسسات آموزشی
- ۴,۲ جایگاه‌های یادگیری برای برنامه‌تواندهی روحانی نوجوانان
- ۴,۳ شوراهای منطقه‌ای بهائی

۵. قوای اجتماع‌سازی امر مبارک

بصیرت‌های حاصله از مرزهای یادگیری

آن هنگام که بیت العدل اعظم الهی در آغاز این نقشه پنج ساله، عالم بهائی را فراخواندند تا بر مبنای دستاوردهای فوق العاده پنج سال گذشته پیشرفت کند، جامعه ای را توصیف فرمودند که نه تنها از اهداف عددی خود پیشی گرفته بلکه به پیشرفتی کیفی در سطح عمیق تر فرهنگ نیز دست یافته است. از آن زمان تا به اکنون، دوستان تلاش های خود را به تعداد فزاینده ای از محدوده‌های جغرافیایی توسعه داده اند که مجموعه شرکت کنندگان دائم‌التزایدی را در یک فرایند جامعه سازی در برمی گیرد. هم اکنون، در انتهای دومین سال نقشه، تجربه ای گران قدر حاوی دلالتی چشمگیر برای اقدامات آتی در دست است. هدف سند حاضر، مرور این تجربه و توصیف برخی رویکردهاست که وقتی به وسیله احبّاء، به نحوی مناسب شرایط شان، مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند آنان را در تسریع پیشرفت‌های پیش رو توانا سازد. به این منظور، نخست محدوده‌های جغرافیایی که در مرزهای یادگیری در سراسر جهان هستند، سپس محدوده‌هایی که در آنها احبّاء تأسیس برنامه های رشد را آغاز کرده اند، و سرانجام، محدوده‌های جغرافیایی که در آنها مجهوداتی به منظور تشدید فعالیت‌ها انجام می‌شود، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. همچنین چند کلمه ای درباره ترتیبات اداری در سطوح منطقه ای یا ملی که حمایت‌کننده حرکت محدوده‌های جغرافیایی هستند محدوده جغرافیایی، گفته خواهد شد.

۱- محدوده جغرافیایی واقع در مرزهای یادگیری

در حال حاضر در بیش از ۳۶۰۰ محدوده جغرافیایی در سراسر جهان، دوستان می کوشند تا برنامه های جدید رشد را برپا سازند و یا برنامه های موجود را به پیش برند. تحلیل پیشرفت‌ها در نزدیک به ۲۰۰ مورد از پیشرفته ترین این محدوده‌های جغرافیایی - به خصوص ۲۰ مورد از قوی ترین آنها - راهکارهای مؤثری برای رشد پیشنهاد می‌کنند و کارایی تعقیب خطوط عمل به نحوی منسجم را نشان می دهد. بیت العدل اعظم الهی در پیام رضوان امسال فرموده‌اند که بسیاری از "ویژگی های متمایز و برجسته که از خصوصیات پیشرفته ترین محدوده‌های جغرافیایی می باشد در جوامعی که مراحل بسیار ابتدایی تری از رشد را می گذرانند نیز دیده می شود." ^۱ از این رو، امید است که یک بررسی دقیق از الگوی عمل ویژه محدوده‌های جغرافیایی پیش‌تاز در یادگیری، به احبّایی که در محدوده‌های جغرافیایی در حتی نخستین مراحل توسعه‌شان فعالیت می‌کنند، کمک خواهد کرد.

محدوده‌های جغرافیایی پیشرفته عموماً جامعه بهائی بزرگی دارند و مهم‌تر از آن، در طول زمان در بسیج تعداد زیادی از افراد برای خدمت به امر الهی و اجتماع مؤثر بوده اند. برخی از آنها به طور تاریخی جامعه بزرگی داشته اند؛ برخی دیگر رشد چشمگیر را تنها در سال‌های اخیر تجربه کرده اند. با این حال، در تمام این قوی‌ترین محدوده‌های جغرافیایی، تعداد کسانی که فعالیت‌های متنوع نقشه را برپا می‌دارند در شمار صدها نفر هستند، درحالی که تعداد شرکت کنندگان ممکن است به هزاران نفر رسد. در میان این دوستان فداکار، عده‌ای که کاملاً از فرایندهایی شکل دهنده محدوده جغرافیایی آگاهند، به عنوان هماهنگ کنندگان محدوده جغرافیایی، اعضای لجنه‌های تبلیغ ناحیه ای، اعضای محافل روحانی محلی یا مساعدين اعضای هیأت معاونت، به نیازهای اداری نقشه رسیدگی می کنند. تعداد فزاینده‌ای به عنوان معلمان کلاس های کودکان، مشوقان گروه های نوجوانان یا راهنماهای حلقه های مطالعه خدمت می کنند و در کمپین های تبلیغی محدوده جغرافیایی حضور می‌یابند. بسیاری نیز استعدادهای خویش را به گروه دیگری از فعالیت‌ها در زمینه های تبلیغی و اداری و همچنین غنی

سازی جنبه های گوناگون زندگی جامعه معطوف می‌دارند. هر کس آگاه است که شرکت در ضیافت نوزده روزه و رعایت حرمت ایام محرمه وظایفی است که نباید فراموش شود، و همچنین اهمیت جلسات دعا و کیفیت حیات نیایشی جامعه را باز می‌شناسد. آنچه در کنار استفاده مؤثر از منابع انسانی مورد استقبال واقع می‌شود، توجه متمرکزی است که هسته ای از احبای فداکار، معمولاً جوانان، به مجهودات فشرده در تعداد فزاینده ای از محله ها و دهکده‌ها مبذول می‌دارند.

از میان ویژگی های متمایزکننده این محدوددهای جغرافیایی پیشرفته، همان گونه که در صفحات بعدی توضیح داده خواهد شد، می‌توان به توانایی احباً در تداوم رشد در ادوار منظم سه ماهه، حفظ تمرکز بر فرایند آموزشی که باعث پیشرفت است، تأسیس اقدامی نیرومند در جهت جامعه سازی، سازمان دهی مجهودات آنها برای رویارویی با چالش پیچیدگی فزاینده و هدایت مشارکتی فزاینده در اجتماع بزرگ تر اشاره کرد.

۱-۱ آهنگ پایداری از ترویج و تحکیم

بیت العدل اعظم الهی توضیح فرموده اند الگویی از عمل که در محدوده‌های جغرافیایی رخ می‌نماید و زندگی پرشور یک جامعه را به وجود می‌آورد، می‌توان از دو چشم‌انداز با اعتبار مساوی ملاحظه کرد. یکی شامل "ادوار سه‌ماهه فعالیت که از طریق آن جامعه رشد می‌کند... ترویج سریع که در نتیجه فعالیت‌های فشرده حاصل می‌شود، دوران ضروری تحکیم که در طی آن نفوس جدید... تقویت می‌گردند، و فرصت‌هایی که به تأمل و برنامه‌ریزی همه اعضا اختصاص داده می‌شود."^۲

این ادوار سه ماهه فعالیت، هنگامی که در طول زمان پایدار بمانند، ضرب‌آهنگ ویژه‌ای به زندگی جامعه می‌بخشند. در هر دوره، احباً به طور منظم نگرش خود را تجدید می‌کنند، پیشرفت و چالش های کنونی خود را ارزیابی می‌نمایند، نقشه های اقدام خویش را تنظیم می‌کنند، و مراحل فشرده‌ای از فعالیت برای ترویج و تحکیم سازمان‌دهی می‌کنند. این ادوار بدون وقفه پدیدار می‌شوند، گرچه الگوهای ترویج ممکن است متفاوت باشد. هر چند گاه مشکلاتی پیشرفت را به تأخیر می‌اندازند، اما مؤمنان می‌توانند بر موانع فائق آیند و در اقدامی متحد به پیش روند.

احباً در محدوده‌های جغرافیایی نیرومند با درکی عمیق از ضرورت تبلیغ مستقیم در مواقعی که شرایط ایجاب می‌کند، از داشتن تنها یک رویکرد نسبت به مرحله ترویج در ادوار خویش فراتر رفته اند. آنها بر این دل‌مشغولی که آنها را وا می‌دارد بکوشند تعداد افراد را در دوره زمانی نسبتاً کوتاهی افزایش دهند فائق آمده‌اند. آنها با ادراکی عمیق‌تر از چارچوب عمل، تجزیه و تحلیل متبحرانتری از آرایش پیچیده شرایط و نیروها، تأملی هوشمندانه‌تر بر دستاوردهای خود و چالش‌های پیش رو، قادرند انتخاب های راهبردی مناسبتری برای پاسخ به نیازهای رشد در زمانی معین داشته باشند.

بیت العدل اعظم در پیام رضوان ۲۰۱۳ می‌فرمایند که احباً همچنین یاد گرفته‌اند "تمرکز عمده قسمت ترویج در هر دوره برنامه رشد نباید لزوماً معطوف به یک هدف باشد بدین معنی که اقل در یک دوره ممکن است شرایط ایجاب کند که دعوت نفوس به اقبال به امر مبارک از طریق مجهودات فشرده تبلیغی انفرادی یا جمعی مورد توجه قرار گیرد و در دوره‌ای دیگر این توجه می‌تواند به ازدیاد یک فعالیت اصلی خاص معطوف گردد."^۳ به همین نحو، نقشه‌هایی که برای مرحله ترویج در نظر گرفته می‌شود ممکن است بسته به نیازهای یک محله یا دهکده خاص، با همدیگر متفاوت باشند. در حقیقت، در جایی که منابع فراوان است، گروه های مختلفی از افراد ممکن است در یک مرحله ترویج، به سوی اهدافی متفاوت ولی مکمل سوق یابند. از این راه، در محدوده زمانی متشکل از ادوار متعدد، افزایشی

پیوسته در تعداد مؤمنان جدید، فعالیت‌های اساسی و شرکت‌کنندگان، و همچنین کسانی که با همراهی شدن توسط سایرین قادرند قلمرو و پیچیدگی کار ترویج و تحکیم را وسعت بخشند، به دست خواهد آمد.

با پیشرفت فرایند یادگیری طبیعی است که "عنصر جدید که به نقشه اضافه می‌شود تا مدتی نیاز به توجه خاص دارد."^۵ اما بیت العدل اعظم چنین ادامه می‌دهند: "این توجه به هیچ وجه از اهمیت سایر جوانب فعالیت‌های جامعه سازی نمی‌کاهد."^۶

توانایی تخصیص منابع به عناصر جدید معرفی شده در پیام‌های پی‌پی بیت العدل اعظم، بدون تغییر توجه همهٔ خادمان نقشه، به احباً در پیشرفته‌ترین محدوده‌های جغرافیایی اجازه می‌دهد تا به سوی "هدف دیرینهٔ مشارکت عمومی در امور امری"^۷ پیشرفت کنند.

نتیجهٔ تمامی این ملاحظات دورهٔ سه ماهه ای سرشار از گستره‌ای از فعالیت‌های پرتحرک، متنوع و به خوبی هماهنگ شده است. و با وجودی که نرخ پیشرفت ممکن است بسته به شرایط جمعیت‌های متنوع در جاهای مختلف متفاوت باشد، روح وحدت و حس هدف مشترک در میان احبای سراسر محدودهٔ جغرافیایی ویژگی دوره می‌گردد. آن چه فهمش مهم است آن که چنین الگوی نوید بخشی از رشد، تنها وقتی می‌تواند حفظ شود که هر فرد، در حالت متواضعانهٔ یادگیری، و بدون توجه به میزان فعالیتش، حمایت بی‌قید و شرط خود را در رفتار و گفتار، نسبت به هر نفس دیگری که در باغستان الهی کار می‌کند، مبذول دارد. حضرت بهاء‌الله می‌فرماید: "همه باید بال‌هایی گردند که همدیگر را به پیش می‌برند." (ترجمه)^۸

۲-۱ ظهور یک فرایند آموزشی با پایه‌های محکم

چشم‌انداز دوم که الگوی عمل در یک محدوده جغرافیایی می‌تواند از آن منظر ملاحظه گردد، یک فرایند آموزشی با سه مرحلهٔ متمایز است، "مرحلهٔ اول برای کم سن و سال‌ترین اعضای جامعه، مرحلهٔ دوم برای کسانی که سنین حساس انتقالی و پرچالش حیات را می‌گذرانند و مرحلهٔ سوم برای جوانان و بزرگسالان."^۹ پیشرفته‌ترین محدوده‌های جغرافیایی، نمودار بزرگی و در نتیجه پیچیدگی‌ای هستند که این مجهود می‌تواند کسب کند. برای نمونه، در محدوده جغرافیایی لوبومپاشی در جمهوری دموکراتیک کنگو، فرایند آموزشی هم اکنون به حدود ۶۰۰۰ نفر خدمت می‌کند که از آن جمله می‌توان به ۳۵۰۰ کودک، ۲۲۰۰ نوجوان و صدها جوان و بزرگسال در حلقه‌های مطالعه اشاره کرد که همه به وسیلهٔ طرحی بسیار پیچیده حمایت می‌شوند که دانش را تولید و نظام مند می‌سازد و تلاش‌های گروه-هایی از راهنمایان، مشوقان و معلمان کلاس کودکان را هماهنگ می‌کند.

در بسیاری نقاط عالم، جذب کودکان از اجتماع بزرگتر به کلاس‌های بهائی نسبتاً کار آسانی است، و والدین به راحتی تأثیر سودمند تعلیم و تربیت روحانی و اخلاقی را بر منش‌ها و رفتار فرزندان‌شان تشخیص می‌دهند. چالشی که هم اکنون در پیشرفته‌ترین محدوده‌های جغرافیایی مؤسسات آموزشی به درجهٔ اتقان به آن رسیدگی می‌کنند، نظام مند کردن تلاش و ایجاد نظامی بادوام برای آموزش روحانی کودکان است. بیت العدل اعظم می‌فرماید: "در میان مجموعهٔ مسائلی که هر مؤسسهٔ آموزشی اکنون با آن رو به رو است یک مسئله از فوریت خاص برخوردار است و آن اینکه چگونه می‌توان تعداد کافی معلم برای کلاس‌های متوالی کودکان و طبعاً راهنمایانی را که بتوانند گروه‌هایی برای مطالعهٔ دوره‌های مورد نیاز تشکیل دهند، بسیج نمود." ^{۱۰} بزرگی چالشی که در برابر حصول این هدف وجود دارد، شناخته شده است. نه تنها دوره‌هایی برای آموزش معلمان سه پایهٔ نخست برنامه که اکنون مواد آموزشی برای‌شان موجود است، برگزار می‌شود، بلکه شبکه‌ای از هماهنگ‌کنندگان و یاوران‌شان نیز به تدریج در هر محدوده جغرافیایی مستقر می‌شود تا معلمان را همراهی کنند و به این

ترتیب آنها بتوانند کلاس ها را برقرار و کودکان را یاری کنند تا هر سال، از پایه ای به پایه دیگر به پیش روند. برای مثال، در هند، به محض این که مواد آموزشی برای پایه های دوم و سوم در سال ۲۰۱۱ منتشر گردید، ۱۷ مؤسسه منطقه ای مجموعه ای از سمینارهای آموزشی سازمان‌دهی کردند، تلاش‌ها برای ترجمه مواد آموزشی به زبان هندی و سایر زبان های منطقه شدت یافت و هماهنگ کنندگان منطقه ای و محدوده‌های جغرافیایی با مشورت دفاتر محدوده‌های جغرافیایی معلمان را شناسایی کردند و مواد آموزشی تازه را به آنها آموزش دادند. نتایج اولیه دلگرم‌کننده بود، نزدیک به ۳۰۰۰ کودک به پایه دوم و چند صد کودک به پایه سوم راه یافتند.

برنامه تواندهی روحانی نوجوانان ویژگی برجسته غالب بسیاری از محدوده‌های جغرافیایی پیشرفته در سراسر جهان شده است. به یاری شبکه ای از بیش از ۴۰ محدوده جغرافیایی، که به عنوان جایگاه یادگیری برای انتشار یادگیری درباره برنامه مقرر شده و تحت هدایت دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی مرکز جهانی بهائی قرار دارند، بر تعدادی از چالش های عملی غلبه شده تا اجرا کردن و برپا نگه داشتن برنامه ممکن شود. دانش گرانبهائی گرد آمده که به احباً در جایگاه‌های یادگیری و محدوده‌های جغرافیایی مربوطه اجازه داده کارایی آموزش و حمایت از مشوقان را تقویت کنند، تعداد فزاینده ای از گروه های نوجوانان برای سه سال مورد نیاز را حفظ کنند، حمایت والدین و مقامات را به دست آورند و برنامه را در بستر الگوی کلی فعالیت های محدوده جغرافیایی به انجام رسانند. ترتیبات برای انتشار مداوم یادگیری در محدوده‌های جغرافیایی پیشرفته، افزایش تعداد شرکت‌کنندگان را به صدها و در چند مورد به بیش از هزار نفر، ممکن ساخته است. این برنامه، با القای حس قوی هدف‌مندی در نوجوانان، ظرفیت قابل ملاحظه ای در دگرگونی جوانان، افزایش تعهد آنها نسبت به تعلیم و تربیت روحانی و مادی، تواندهی آنان برای برعهده گرفتن اقدام اجتماعی در جهت به‌سازی جوامع شان، مقاومت در برابر نیروهای مخرب و زیان‌بار درون اجتماعات‌شان، و سهیم شدن در ساختن جهانی بهتر نشان داده است.

البته دو مرحله فرایند آموزشی که در بالا توضیح داده شد، تنها وقتی ممکن است که حرکت افراد به سوی دوره‌های متسلسل مؤسسه وجود دارد و پیشرفته ترین محدوده‌های جغرافیایی جریان مداومی از شرکت کنندگان را طی دوره زمانی طولانی - برخی در حدود ۲۰ تا ۳۰ دوره - حفظ کرده اند. در طول سالیان، رویکردهای مختلفی در سراسر عالم به این دست‌آورد یاری رسانده اند. مؤمنان برای آغاز فرایند مؤسسه تشویق شدند تا در دوره ها شرکت کنند و سپس، هنگامی که دیگران را در گفت و گوهایی درباره پیام حضرت بهاء‌الله شرکت دادند، پذیرندگی را در میان احباً، اعضای خانواده، همسایگان و همکاران خود یافتند؛ کسانی که بسیاری از آنها فوراً در حلقه های مطالعه شرکت جستند. از پی آن، مؤمنان در بسیاری از محدوده‌های جغرافیایی یاد گرفتند تا از راه تلاش در تبلیغ مستقیم شامل ملاقات در منازل یا کمپین‌ها، به "گروه‌هایی از جمعیت که از استعداد روحانی زیادی برخوردارند"^{۱۱} دست یابند که نتیجه‌اش تعداد چشمگیری از بهائیان تازه بود. هم‌زمان با افزایش توجه به جوانان در این جمعیت ها، درصد قابل توجهی شروع به ورود به حلقه های مطالعه کردند. در پیشرفته ترین محدوده‌های جغرافیایی، ظرفیت بهره برداری از پاسخ آماده تعداد فزاینده ای از جوانان، به وسیله توانا ساختن آنها برای حرکت سریع در میدان عمل اساساً به عنوان مشوق گروه های نوجوانان، و البته به عنوان شرکت کنندگان و یا آغازگران دیگر فعالیت های اساسی، در حال افزایش است. هم چنین، چالش افزایش تعداد راهنمایانی که از این فرصت سود می برند فعالانه دنبال می شود.

تجربه با جوانان جمعیت های مستعد در محدوده های جغرافیایی پیشرفته نشان می دهد که ترویج برنامه تواندهی نوجوانان این پتانسیل را دارد تا پیشرفت چشمگیری را به هر سه مرحله فرایند آموزشی

وارد سازد. تلاش به منظور آموزش مشوقان گروه های نوجوانان، به نحوی فزاینده از میان جوانان اجتماع بزرگ تر، حلقه های مطالعه بیشتر یا کمپین های مؤسسه را ایجاب می کند. چنین کمپین هایی می توانند به شکل مطالعه فشرده کتاب های ۱ و ۵ مؤسسه روحی باشند که به تأسیس فوری چندین گروه نوجوان خواهد انجامید؛ با گذر زمان، بیشتر مشوقان در حلقه های مطالعه شرکت می کنند تا کتاب های باقیمانده از دوره های متسلسل را کامل کنند که توانایی های آنها را برای خدمت تقویت می کند. همگام با افزایش آگاهی در میان خانواده های نوجوانان، دیگر اعضا، که بیشتر کودکان و جوانان هستند، و البته تعدادی بزرگسال، در مرحله ای از فرایند آموزشی که مناسب ایشان است وارد می شوند. در واقع، بسیاری از بینش های مربوط به چگونگی وسعت بخشیدن چشمگیر به برنامه به منظور دربرگرفتن تعداد عظیمی از شرکت کنندگان، از تجارب حاصله در آن محدوده های جغرافیایی و با حمایت جایگاه های یادگیری، استخراج شده اند. این بینش ها با مؤسسات منطقه ای در میان نهاده شده و به نحوی که به اجرای دیگر اقدامات اساسی یاری رسانده اند، به کار رفته اند. در نهایت، در محدوده های جغرافیایی که احباً آموخته اند گروه های نوجوانان را در طول سالیان متعدد تا رسیدن به انتهای برنامه حفظ کنند، بسیاری از نوجوانان اشتیاقی برای گذراندن دوره های متسلسل اصلی نشان داده اند و با شوق و انضباط معمول خود به مطالعه و انجام دادن اقدامات خدمتی ضروری پرداخته اند. چنین نتیجه نوبدبخشی، اگرچه هنوز در مقدار اندک است، حاکی از آن است که این جوانان هم چنان که دوره های متسلسل را می گذرانند، می توانند صفوف معلمان کلاس های کودکان، مشوقان و راهنمایان را در محدوده جغرافیایی وسعت بخشند. آن چه این جا توضیح داده شده، تنها راه پیشرفت فرایند آموزشی نیست. با این حال، برنامه نوجوانان بارها کارآیی خود را به عنوان راهکاری که شایان پیگیری قدرتمندانه است، به اثبات رسانده است.

۳-۱ پیشرفت در جامعه سازی

آن هنگام که منابع انسانی در یک محدوده جغرافیایی فراوان تر می شوند، اقدامات اساسی تکثیر می شود و میزان مشارکت افزایش می یابد. الگوی پویا و پیچیده ای از عمل پدیدار می شود که همه جنبه های زندگی جامعه را در بر می گیرد. یک ویژگی آشکار محدوده های جغرافیایی پیشرفته، تغییری در ادراکی است که از صرف دغدغه تزیید فعالیت ها فراتر رفته، به دلالت های عمیق تر فرایند جامعه سازی می نگرد. در بیت العدل اعظم پیام رضوان ۲۰۱۳ می فرمایند:

با عمیق تر شدن تجارب دوستان، توانمندی آنان نیز برای ترویج یک الگوی غنی و زیبای زندگی در یک محدوده جغرافیایی افزایش یافته است، الگویی که صدها یا حتی هزاران نفر را در بر می گیرد. بینش های متعددی که این خادمین عزیز امرالله از مساعی خود کسب می نمایند موجب خرسندی فراوان است، از جمله آنکه: پیشرفت تدریجی نقشه در سطح محدوده جغرافیایی فرایندی است پویا با ماهیتی الزاماً پیچیده که نمی توان آن را پدیده ای ساده انگاشت؛ این فرایند با افزایش توانائی در پرورش منابع انسانی و در هماهنگ نمودن و سازمان دادن اقدامات قائمین به خدمت به پیش می رود؛ با ازدیاد این توانائی ها، تلفیق طیف وسیع تری از ابتکارات امکان پذیر می شود...

در واقع نفعی را که از کمک هر فرد عابد پیشرفت کلّ می شود قدر می دانند و بدین ترتیب خدمت هر فرد به فراخور امکانات شخصی او مورد استقبال همگان قرار می گیرد.^{۱۲}

در مجموعه های کوچک تر و صمیمی تر دهکده ها و محله ها، سرشت متقابلاً تقویت کننده فعالیت های اساسی و تأثیر دگرگون کننده فرایند مؤسسه آشکارتر می شود و رشد پایدار و مشارکت عمومی امکان پذیرتر می شود. همان طور که بیت العدل اعظم توضیح می فرمایند:

این رویکرد در اصل بر استقبال مردم از تعالیم حضرت بهاءالله تمرکز می یابد، مردمی که برای تقلیب روحانی منبعث از ظهور حضرتش آمادگی دارند و مشتاق اند که از طریق شرکت در فرایند آموزشی ارائه شده توسط مؤسسه آموزشی، رخوت و بی تفاوتی حاصل از نیروهای اجتماع را کنار گذاشته به جای آن الگوهایی از عمل را که باعث ایجاد تحول در زندگی می شود دنبال کنند. در هر محله یا هر دهکده ای که این رویکرد چند سالی توسعه یافته و احباً تمرکز خود را حفظ کرده اند، نتایج قابل ملاحظه ای به تدریج ولی قاطعانه آشکار می گردد. توان دهمی به جوانان موجب می شود تا مسئولیت پیشرفت اطرافیان جوان تر از خود را به عهده بگیرند. بزرگسالان از مشارکت جوانان در گفتگوهای پرمحتوا و سودمند راجع به امور تمامی جامعه استقبال می کنند. دستاوردهای حاصله از طریق فرایند آموزشی جامعه، توانمندی برای مشورت را در پیرو جوان به طور یکسان ایجاد می کند و فضاهای تازه ای برای مکالمات هدفمند پدیدار می شود. با این حال، تغییر و تحول صرفاً به بهائیان و افراد دیگری که در فعالیت های اصلی نقشه شرکت می کنند و قاعدتاً ممکن است انتظار رود که زمانی طرز فکر جدیدی اتخاذ کنند منحصر نمی گردد. جو محیط کلاً تحت تأثیر قرار می گیرد. گرایش به ستایش خداوند در بین گستره وسیعی از جمعیت ایجاد می شود. تساوی زن و مرد با جلوه های چشمگیرتری ابراز می گردد. تعلیم و تربیت کودکان اعم از پسر و دختر، مورد توجه بیشتری قرار می گیرد. خصوصیات روابط درون خانواده که در قالب تصورات کهنه قرون و اعصار شکل گرفته به نحو محسوسی تغییر می یابد. حسن مسئولیت نسبت به جامعه محلی و محیط اطراف خود فراگیر می شود. حتی بلای تعصب که سایه شوم خود را بر هر اجتماعی افکنده به تدریج تسلیم قوای غالبه یگانگی می گردد. نهایتاً مساعی جامعه سازی احباً بر جوانب مختلف فرهنگ تأثیر می گذارد.^{۱۳}

البته همه محله ها پذیرش لازم را برای آن که مراکز فعالیت فشرده شوند نشان نمی دهند، اما بهائیان، هر جا زندگی کنند، می توانند به دیگران دسترسی یابند و فعالیت های اساسی را استقرار بخشند و شرکت کنندگانی را از میان آشنایان خود در هر جای محدوده جغرافیایی که اقامت دارند، دعوت کنند. در شناخت مشترکات دو موج همزمان - که یکی در مناطق متمرکز و عمیق تر و دیگری در سطح محدوده جغرافیایی و وسیع تر است - دوستان در محدوده های جغرافیایی پیشرفته به آسانی مشارکت خود در یک اقدام جمعی واحد برای جامعه سازی را درک می کنند. وحدت در کثرت در اقدامات ظاهر می شود که در آن هر مؤمنی می تواند نقشی را آن طور که در چارچوب عمل نقشه تعریف شده برای ایفا کردن بیابد. و با وجود آن که افراد مختلف در فعالیت های متفاوتی شرکت دارند، همه هدفی مشترک دارند و رفته رفته با پذیرفتن تعداد فزاینده ای از شرکت کنندگان در الگوی حیات جامعه خود، به آسانی سهمی را که دیگران ایفا می کنند، درک می کنند.

۴-۱ یک طرح سازمانی کارآ

با توسعه بیشتر ظرفیت خدمت در تعداد فزاینده ای از افراد و متعاقباً یاری شدن آنها به شروع تعداد فزاینده ای فعالیت های هموابسته که تعداد دائم التزایدی از شرکت کنندگان را در بر گیرد، محدوده جغرافیایی پیشرفت می کند. این فرایند ایجاد ظرفیت باید به مرور زمان، با یک نظام هماهنگ سازی و حمایت که دائماً بر پیچیدگی اش افزوده می شود، تکمیل شود. بیت العدل اعظم توضیح می دهند: "تنها

افزایش تعداد نفرات و فعالیت ها مستلزم آن است که طرح های سازمان‌دهی به سطحی پیچیده تر برسد.^{۱۴} رشد عددی همراه با انتشار جغرافیایی فعالیت ها در محله ها و در سطح محدوده جغرافیایی، توسعه بیشتر یک طرح هماهنگی اولیه را که برای آغاز تأسیس یک برنامه فشرده رشد به کار می رود، ضروری ضرورت بخشیده است. تجربه محدوده های جغرافیایی پیشرفته گواهی بوده است بر کلام بیت العدل اعظم که می فرماید: "شیوه کار این سیستم محدوده جغرافیایی... از حیث ساختارها و فرایندها و روابط و فعالیت ها... ذاتا قابلیت قبول سطوح بیشتر و بالاتری از پیچیدگی را دارا است"^{۱۵} درحالی که ممکن نیست از میان تلاش های متنوع و نوپای در حال ظهور در محدوده های جغرافیایی پیشرفته سراسر جهان، تنها یک رویکرد را برای استفاده عموم استخراج کرد، در این نقطه دست کم سه بُعدشایان توجه است.

در پیشرفته ترین محدوده های جغرافیایی، به خاطر پیچیدگی فزاینده، تقسیم کردن محدوده جغرافیایی به نواحی کوچک تر و نیز انتخاب محله ها یا دهکده هایی برای یک تلاش متمرکز به جهت یادگیری درباره جامعه سازی ضرورت یافته است. مراکز شهری بزرگ در حوزه وظیفه یک محفل روحانی محلی در سکتورهایی سازمان دهی شده اند، در حالی که محدوده های جغرافیایی روستایی و شهری که چند محفل روحانی محلی دارند، با ایجاد تعدادی واحد تقسیم بندی گردیده اند. مثال هایی از این واحدها، پنج مسیر محدوده جغرافیایی نورت دل کاوکا در کلمبیاست که در امتداد مسیر های معین اتوبوسرانی قرار دارند و سه منطقه تریکی غربی در کنیا که از گرومبندی کردن ۷۲ جامعه به بخش های متشکل از ۲۰ تا ۲۵ دهکده همسایه به وجود آمده است. در ارتباط با محله ها و دهکده ها، تصمیم گیری این که چه چیزی می تواند یک مجموعه کوچک را تشکیل دهد، در همه موارد آسان نبوده است. در محدوده جغرافیایی پمبا در زامبیا که جمعیت پراکنده ای دارد، تعدادی از دهکده های کوچک کنار هم با هم دیگر گروه بندی شدند تا مجموعه هایی را شکل دهند که برای یادگیری به اندازه کافی بزرگ هستند. برعکس، در محدوده جغرافیایی کاجنگ در مالزی، دوستان با کار در مناطق شهری وسیع آغاز نمودند، اما به تدریج، درون این مناطق، مکان های کوچک تری را شناسایی کردند که برای مجهودات جامعه سازی مناسب تر بود.

تعیین کردن چند واحد در درون یک محدوده جغرافیایی اجازه می دهد الگوهای تازه هماهنگی برای خدمت به دوستان در مناطق کوچک تر به وجود آیند. تعداد افراد مشغول به هماهنگ سازی و حمایت، عموماً به رشد در میزان مشارکت در این مجموعه های کوچک تر وابسته است. در پیشرفته ترین محدوده های جغرافیایی سه نفر هماهنگ کننده، هر یک برای یکی از سه حوزه فعالیت تعریف شده مؤسسه، تعیین می شوند. با شناسایی زیرواحدهای مختلف، ممکن است از دوستان باتجربه تر خواسته شود به عنوان هماهنگ کنندهگان اضافی مؤسسه یا به عنوان یاور هماهنگ کنندهگان خدمت کنند. در برخی نمونه ها مفید بوده است که یک هیئت تبلیغ یا رشد برای سکتور نیز به همین نحو پدید آید و یک فرد به عنوان تسهیل کننده رشد در سکتور تعیین شود که تحت حمایت لجنه تبلیغ ناحیه ای عمل می کند. حتی در سطوح پایین تر محله ها، بعضی ساختارهای غیررسمی در حال شکل گرفتن هستند؛ مثل گروهی مرکزی که مشورت می کند، نقشه می ریزد و مشارکت را ترویج می دهد. در جایی که تعداد زیادی فعالیت در حال انجام گرفتن است، خدمت کردن هماهنگ کنندهگان و تسهیل کنندهگان رشد اغلب به صورت تمام وقت به عنوان بخشی از یک طرح رسمی هماهنگ سازی ضروری است. در هر مورد، آنچه در بیشتر محدوده های جغرافیایی پیشگام در حال ظهور است، یک شبکه اداری نیرومند مشتمل بر چندین هماهنگ کننده و یاور تعیین شده به جهت مساعدت آنها است که تعدادشان هم اکنون از حدود مجموعاً ۱۰ نفر در محدوده هایی جغرافیایی مانند تورنتو در کانادا، تا تعداد ۵۰ یا ۶۰ نفر در لوبومباشی و تریکی غربی می رسد. در شهر دهلی در هند، ساختارهای موجود

در محله هارکش نگر، به تنهایی شامل ۲۶ نفر است که در حدود ۲۰۰ فعالیت اساسی مشتمل بر ۱۲۰۰ نفر را حمایت می کنند.

یک تکامل حیاتی و نویدبخش دیگر، افزایش میزان مشارکت محافل روحانی محلی است. محافل محلی با آگاهی از هدایتی که در پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم در زمینه مسئولیت های شان فراهم شده و با " اشتغال شخصی هر فرد در فعالیت های اساسی" ^{۱۶} غنا یافته است، مرتباً سهم خود را در کلیت این تلاش بررسی می کنند. نمایندگان محافل اغلب به طور مرتب در جلسات برنامه ریزی محدوده جغرافیایی شرکت می کنند و روش هایی را که به وسیله آن محفل آنها می تواند ادوار فعالیت را حمایت کند، با دیگر اعضای آن در میان می گذارند. محافل هم چنین می توانند به همه اعضای جامعه بیندیشند و تشویق و حمایت کنند و تضمین کنند که هر یک نقشی معنادار در کار ترویج و تحکیم می یابد.

۵-۱ مشارکت بیشتر در زندگی اجتماع

هنگامی که دوستان در محدوده های جغرافیایی پیشرفته، از نزدیک با خانواده ها وارد تعامل می شوند و دوستی واقعی برقرار سازند، خود را بیشتر و بیشتر در آمیخته با حیات اجتماع می یابند. تلاش های آنها که به طور طبیعی از گفتگو و نگرانی های مشترک پدید می آید، عموماً متشکل از "دو حوزه فعالیت که به هم مرتبط و تقویت کننده یکدیگرند" ^{۱۷} است: شرکت در گفتمان های رایج در اجتماع و اقدام اجتماعی. در هر دو مورد، نخستین گام ها، تلاش هایی ساده و تقریباً غیررسمی را دربرمی گیرد؛ برخی از آنها ممکن است سرانجام به صورت مجهوداتی پیچیده تر و مداوم تکامل یابند.

تأثیر اولیه ای که دوستان در دهکده ها و محله های خود می گذارند اغلب بر ادراک و ارزش های مربوط به آموزش روحانی، اخلاقی و جسمانی کودکان و جوانان است. با بهبود کیفیت کلاس های کودکان و گروه های نوجوانان، ظرفیت مؤمنان برای گفتگوهای معنادار درباره موضوعات تعلیم و تربیت و تواندهی اخلاقی جوانان نیز پیشرفت کرده است. به تبع این حالت، والدین فرزندان که در برنامه های بهائی شرکت دارند، ادراک بیشتری نسبت به اهمیت و تعهد به پیشرفت مطالعات آکادمیک کودکان شان نشان داده اند.

دوستی های صمیمانه و گفتگوهای مداوم در میان خانواده های محله ها و دهکده ها هم چنین به آگاهی بیشتری از نیازهای محلی انجامیده است. جلسات تأمل و بازنگری، گروه های نوجوانان، یا ضیافت نوزده روزه محله، فضاهایی برای جامعه مهیا می کند تا بررسی نحوه به کارگیری تعلیم امر مبارک "به منظور اصلاح یک و یا بعضی از جنبه های حیات اجتماعی یا اقتصادی گروهی از مردم می باشد" ^{۱۸} را آغاز کنند. برخی تلاش ها در مقیاسی کوچک شروع شده اند و به طور ارگانیک در حال توسعه هستند و به وسیله خود ساکنان دهکده ها یا محله ها در حال اجراست. برای نمونه، در محدوده جغرافیایی تانا در وانواتو، گروهی از نوجوانان فهمیدند مسیر عبور از یک نهر که به یک تقاطع اصلی می رسد، به خصوص برای سالمندان صعب العبور است، به همین منظور یک پل و استراحتگاهی ساده و ابتدایی ساختند که در آن مسافرانی که مسافت های طولانی را پیاده می پیمایند، بتوانند استراحت کنند و یا هنگام باران های سنگین در آنجا پناه گیرند.

ویژگی دیگری که به طور فزاینده در محدوده های جغرافیایی پیشرفته دیده می شود تأثیری است که فرایند مؤسسه در ایجاد ظرفیت و افزایش میزان مشارکت زنان داشته است؛ زنانی که امروزه اغلب از پیشتازان کارهای تبلیغی و اداری هستند. زنان و دختران با آغاز فعالیت های اساسی اطمینانی فزاینده به دست آورده اند و با مشارکت در جلسات تأمل و بازنگری و دیگر جلسات، صدایی بلندتر در

امور جامعه دارند. والدین، در حالی که از ابتکارات دختران‌شان در خدمت به عنوان معلمان کلاس‌های کودکان، مشوقان گروه‌های نوجوانان یا راهنمایان حلقه‌های مطالعه تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، به درک اهمیت تأمین تعلیم و تربیت مساوی با پسران برای دختران دست یافته‌اند. و در محدوده‌های جغرافیایی که دیدگاه‌های سنتی مانع پیشرفت زنان را هنوز حفظ کرده‌اند، مردان جوان همپای زنان جوان به عواملان تغییر فکور تبدیل می‌شوند. برای مثال، در محدوده جغرافیایی داگا در پاپوا گینه نو، زنان جوانی که معمولاً انجام کارهای خانه و مراقبت از کودکان به آنها محول شده، نه تنها به عنوان اعضای محافل محلی انتخاب می‌شوند، بلکه حتی منشی یا رئیس آن نیز می‌گردند، تکاملی که حتی تا چند سال پیش غیرقابل تصور بود.

علاوه بر این جنبش‌ها که در سطح توده‌ها صورت می‌گیرد، در محدوده‌های جغرافیایی معینی، اقدامات دوستان از طریق فعالیت‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی دفاتر ملهم از تعالیم بهائی تقویت می‌شوند. برای مثال، در روستای کاتویولا در محدوده جغرافیایی شرقی موبیلونگا در زامبیا، جوانانی که در برنامه آماده‌سازی برای اقدام اجتماعی که توسط بنیاد اینشیندو عرضه می‌شود شرکت داشتند، به همراه نوجوانانی از چند گروه نوجوانان، یک پروژه درخت‌کاری را آغاز کردند تا به سطوح بالای جنگل زدایی ناشی از روش‌های کشاورزی سنتی دربرگیرنده ایجاد شیار و سوزاندن رسیدگی کنند. این اقدام مهم چنان رشد کرد که مردم دهکده را درگیر فعالیت ساخت و اکنون حمایت رئیس محل، مقامات مدنی و وزارت جنگلداری حکومت را دریافت می‌کند.

۲- برنامه‌های نوپدید رشد

بیت العدل اعظم در پیام ۲۸ دسامبر می‌فرمایند که نخستین نماد نشان دهنده ظهور یک برنامه رشد، به وسیله جریان اولیه منابع انسانی به میدان عمل مشخص می‌شود:

بدین معنا که جلسات دعا، کلاس‌های کودکان و گروه‌های نوجوانان، با هر ترکیب و هر تعداد، توسط کسانی اداره می‌شود که دوره‌های متسلسل مؤسسه آموزشی را طی کرده‌اند و به آن بینش تقلیب و تغییر فردی و جمعی که این دوره‌ها ترویج می‌دهند پای‌بندند.^{۱۹}

یک برنامه تازه رشد با توسعه دو ظرفیت نوپا آغاز می‌شود. نخست، یک یا چند نفر از دوستان در یک محدوده جغرافیایی باید بتوانند افرادی را در مطالعه دوره‌های متسلسل مؤسسه یاری دهند و آنها را در آغاز کردن فعالیت‌های اساسی‌شان همراهی کنند. سپس، این افراد باید بتوانند دیگران را به مشارکت در فعالیت‌های اساسی جذب نمایند. با به ثمر نشستن تلاش‌هایی که در بخش‌های مختلف عالم، در این خطوط صورت می‌گیرد، مؤسسات مورد نظر انتظارات بیش از حد را درباره موارد لازم پیش از آن که بتوان یک برنامه جدید رشد را ظهور یافته انگاشت، کنار می‌گذارند.

هم اکنون، دوستان در حدود ۱۲۰۰ محدوده جغرافیایی کار می‌کنند تا بتوانند به وراى این اولین نماد از نمادهای متعدد در توسعه فرایند رشد خود برسند و چنین اقداماتی باید هنوز به ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ محدوده جغرافیایی دیگر در سه سال آینده گسترش یابد تا به هدف ۵۰۰۰ محدوده جغرافیایی که به وسیله بیت العدل اعظم الهی تعیین گردیده، دست یافته شود.

۱-۲ تأسیس مبنایی برای ایجاد ظرفیت

دوستان، در هر محدوده جغرافیایی که ساکن باشند، صرف نظر از این به عنوان هدف دریافت توجه سیستماتیک انتخاب شده باشد یا خیر، بدون هیچ درنگی باید اقدامات خود را در راستای تأسیس یک برنامه رشد آغاز نمایند. حتی اگر کار اندک با اقدامات چند مؤمن مشتاق در تنها یک محله یا

دهکده آغاز شده باشد، به مرور زمان، از طریق یک فرایند سالم آموزشی، بارقه نخستین می تواند به شعله ای تبدیل شود که تعداد فزاینده ای از افراد را به مجهودی متحد جذب می کند. و رای چنین اقداماتی، چندین راهبرد ساده اما کارآ پدیدار شده تا از مؤمنان در هر محل حمایت و یا مناطق بکر را فتح کند.

مهاجرت

بیت العدل اعظم در پیام مورخ ۲۳ مه ۲۰۱۱ خود به بهائیان عالم به یکی از راهکارهای آغاز یک برنامه رشد اشاره فرمودند.

در پنج سال آتی، پیگیری موفق نقشه نیازمند خدمات چندین هزار نفس فداکار خواهد بود که عشق به حضرت بهاءالله آنها را برانگیخته و خانه های خود را ترک خواهند کرد تا در دهکده ها، شهرهای کوچک و بزرگ ساکن شوند تا شمار محدوده های جغرافیایی دارای برنامه های رشد را به ۵۰۰۰ برسانند.^{۲۰} (ترجمه غیر رسمی)

صدها تن از مؤمنان هم اکنون به فراخوان سکونت در محدوده های جغرافیایی هدف مهاجرت خارجه یا داخله و آغاز تلاش هایی که به یک فرایند رشد ارگانیک منجر شوند، پاسخ داده اند. به طور کلی، بسیاری از این نفوس از جوانان بوده اند، کسانی که در نقش راهنمایان حلقه های مطالعه، مشوقان گروه های نوجوانان و معلمان کلاس های کودکان تجربه کسب کرده اند، و آموخته اند چطور در محدوده های جغرافیایی پیشرفته خود به صورت طبیعی با اجتماع بزرگتر درآمیزند. بیشتر آنها به عنوان مهاجران کوتاه مدت قیام به خدمت کردند و چون اغلب می توانستند به طور تمام وقت به مدت یک یا دو سال خدمت کنند، پیشرفت در رشد و نیز توسعه جامعه با سرعتی بالا انجام شد.

گروه های سیار

بیت العدل اعظم در توضیح نحوه ظهور یک برنامه رشد فرمودند: "ممکن است گروه های سیار دعوت شوند تا به مجموعه فعالیت های نوشکفته تحرک بخشند"^{۲۱} در جایی که مؤسسات فراهم کردن مهاجران را در آغاز پرچالش می یافتند یا مهاجران و مؤمنان محل می توانستند از حمایت های مضاعف بهره مند شوند، یک فرد، گاه مساعدی تعیین شده توسط یک عضو هدایت معاونت، یا گروه های تبلیغی متشکل از مؤمنانی با تجاربی ناب و نگرشی تعاونی، به محدوده های جغرافیایی هدف فرستاده شده اند تا به تأسیس مستحکم فرایند مؤسسه یاری رسانند. در تقویت این نوع حمایت، اغلب ترتیبی داده می شد که دوستانی از محدوده های جغرافیایی بدون برنامه رشد بتوانند زمانی را در یک محدوده جغرافیایی توسعه یافته بگذارند و درک خود از طریق تجارب دست اول از نحوه به پیش راندن یک فرایند رشد افزایش دهند.

در محدوده جغرافیایی جزیره ای رودریگز در سواحل ماریشوس، تلاش های بسیاری برای سکونت دادن مهاجران داخلی کوتاه مدت صورت پذیرفت، اما هرگاه در آخر، جزیره را ترک می کردند، همواره فرایند رشد متوقف می ماند. گروهی متشکل از چهار مشوق باتجربه از منطقه مجاور به مدت سه هفته با برنامه ای برای تأسیس گروه های نوجوانان و توسعه منابع درون جمعیت به آن سرزمین آمدند. در هفته اول، آنها با کمک دو مشوق محلی، به ۲۰ نوجوان دسترسی یافتند و والدین آنها را برای توضیح برنامه ملاقات نمودند. در هفته دوم، یک کمپین روزانه یک هفته ای را ترتیب دادند؛ ۱۵ نوجوان به طور ثابت شرکت جستند. در هفته سوم، مشوقان به ملاقات با والدین ادامه دادند تا تأثیر برنامه را ارزیابی کنند. فرزندان کوچک تر نیز خواستند فعالیت هایی داشته باشند. از گروه نوجوانانی

که هم اکنون در برنامه شرکت می‌جویند، ۳ نفر به زودی ۱۵ ساله خواهد شد و امید می‌رود که در یک حلقه مطالعه کتاب ۱ شرکت کند. گروه ارسالی از ماریشوس تصمیم گرفت تا در ملاقات بعدی اش مطالعه کتاب ۵ و همچنین یاری دادن بیشتر در گروه های نوجوانان را ترتیب دهد.

حمایت تشکیلاتی

در آغاز نقشه پنج ساله، جوامع ملی تشویق شدند تا پس از مشورت در میان مؤسسات متعدد مربوطه، تعداد محدودی محدوده جغرافیایی را که می‌توانند در آنجا یادگیری درباره شروع کردن برنامه های جدید رشد را آغاز کنند، انتخاب نمایند. بسیاری کشورها، با داشتن تجربه و موفقیت های اولیه، هم اکنون یک فرایند استقرار یافته دارند تا بتوانند کار را در همه محدوده های جغرافیایی که امیدوارند پیش از خاتمه این نقشه تا [مرحله ای] و رای نخستین نماد به پیش روند، آغاز کنند. برخی کشورهای دیگر هنوز نیازمند آنند که اقداماتشان را در طول سال پیش رو، در این حوزه گسترش دهند، به گونه ای که زمان کافی برای ریشه گرفتن فرایند مؤسسه و آغاز به شکوفایی آن در هر محدوده جغرافیایی وجود داشته باشد.

بیت العدل اعظم می‌فرماید: "همه مؤسسات و نهادهای امری، و بیش از همه اعضای هیئت معاونت، که اهداف سلسله نقشه های جهانی جاری را ترویج می‌نمایند باید آن چالاکي و هوشیاری را که تولد یک چنین فرایند پویایی ایجاب می‌کند از خود نشان دهند"^{۲۲} هر راهبردی که برای رسیدن به این هدف به کار رود، حمایت تشکیلاتی ضروری است. یک مهاجر داخلی که در محدوده جغرافیایی فیانارانتسوا در ماداگاسکار ساکن گردید پذیرندگی عظیمی را در آنجا یافت. این خانم فعالیت خود را با میزبانی جلسات دعا و ارائه یک کلاس کودکان آغاز کرد. او توانست تعدادی از والدین کودکان را در یک حلقه مطالعه وارد سازد، اما برای مدت زمانی محدوده جغرافیایی دیگر پیشرفتی نداشت. کمکی که از مؤسسه آموزشی دریافت شد تفاوتی ایجاد کرد. هنگامی که هماهنگ کننده ناحیه ای از محل بازدید کرد، آنها با یکدیگر توانستند به وسیله شناسایی جوانانی که به خدمت به عنوان مشوق گروه های نوجوان علاقه نشان دادند، فرایند رشد را تحرک بخشند. آنها اقدامی موزون برای ملاقات با جوانان و خانواده های شان انجام دادند، اهداف برنامه تواندهی روحانی نوجوانان را با آنها در میان گذاشتند و حمایت های ممکنه از جانب آنها را فهرست کردند. این جوانان دوره های مؤسسه را در یک مرکز شهری نزدیک گذراندند و امر مبارک را قبول نمودند. هم اکنون، نه گروه نوجوانان، با ۱۰۰ شرکت کننده، وجود دارد. با خدمت فعالانه دوستان محل، این محدوده جغرافیایی فقط در مدت نه ماه از نخستین نماد گذر کرد.

۲-۲ گسترش حدود دسترسی فعالیت های اساسی

در محدوده های جغرافیایی جدیدی که در دو سال اخیر اقداماتی برای تأسیس برنامه های رشد آغاز گردیده است، دوستان از " فرصت های حاصله از اقدامات شخصی" [و شرایط شخصی شان]^{۲۳} بهره برده اند و به گفتگو درباره شرایط روحانی و مادی جوامعشان با مردمی که در زندگی روزانه با آنها تماس می‌یابند - همسایگان، والدین کودکان هم مدرسه ای فرزندان شان، مغازه داران، دانش آموزان جوان یا آشنایان جدیدی که در فضاهای عمومی ملاقات می‌کردند شرکت جسته‌اند. داستان های هزاران مورد از این برخوردها، این مشاهده بیت العدل اعظم را تأیید کرده که می‌فرماید ظرفیت مؤمنان در "شروع گفتگوهای هدفمند در مورد مسائل مهم روحانی با مردم از هر طبقه و گروه"^{۲۴} رو به رشد است و این که هر یک از فعالیت های اساسی "می‌تواند محرک رشد باشد."^{۲۵}

مادری در بلاروس یک کلاس کودکان را با دو فرزند خود آغاز کرد و کلاس به نه نفر افزایش یافت. جوانانی از سنین ۱۲ تا ۱۴ به زودی علاقه نشان دادند و این مادر و شوهرش در دوره های فشرده مؤسسه آموزشی شرکت جستند تا بیاموزند چگونه به عنوان مشوقان گروه نوجوانان خدمت کنند. پس از به راه افتادن این فعالیت اساسی دوم، یک حلقه مطالعه در پاسخ به علاقه فزاینده والدین کودکان تشکیل شد. در محدوده ای جغرافیایی در ایالات متحده، یک جلسه دعا نبضی برای شروع حرکت مهیا کرد. به تدریج یک حلقه مطالعه با برخی از شرکت کنندگان در جلسه دعا شکل گرفت. و کمی پس از آن، یک کلاس کودکان آغاز شد و یک گروه نوجوانان نیز از پی آن تشکیل شد. در یک محدوده جغرافیایی در حال نمودار شدن در فیجی، نخستین گام دسترسی به جوانان و دعوت از آنها برای خدمت به عنوان مشوق به جهت تشکیل و حفظ گروه های نوجوانان بود. به منظور حمایت از این اقدام، محفل روحانی محلی تصمیم گرفت همه اعضایش یک بار مطالعه کتاب ۵ را به اتمام رسانند. اقدام اولیه علاقه و مشارکت جوانان از اجتماع وسیع تر را به خود جلب کرد. و با مشارکت آنها در دوره های مؤسسه، منابع انسانی نه تنها به منظور تکثیر گروه های نوجوانان بلکه هم چنین برای تأسیس کلاس های کودکان توسعه یافت.

این تجارب که به روش های گوناگون در بسیاری محدوده های جغرافیایی سراسر عالم تکرار شده اند، نشان می دهد که جریان اولیه ورود منابع انسانی به عرصه اقدام سیستماتیک چگونه یک محدوده جغرافیایی را به ورای نخستین نماد در راستای پیوستار توسعه، به سرعت به پیش می راند.

۳- تشدید فعالیت ها

با گسترش حدود دسترسی فعالیت های اساسی، سطح بالاتری از سازمان دهی به منظور هماهنگ کردن اقدامات پدید می آید و ضرب آهنگ متمایزی در ادوار ترویج و تحکیم آشکار می شود. اشتیاق دوستان افزایش می یابد، با ابزار و روش های نقشه بیش از پیش وفق و انس می گیرند و در پاسخ به شرایط منحصر به فرد اجتماعی اطراف خود مهارت بیشتر پیدا می کنند. آنها با فعالیت بیشتر، ساختارهای مؤسساتی لازم برای هدایت انرژی های خود و مدیریت پیچیدگی هایی را که افزوده می شود برقرار می سازند. به مرور زمان، به سوی نماد دوم یعنی تأسیس یک برنامه فشرده رشد به پیش می روند.

درحالی که ممکن است تلاش قابل توجهی برای فرارفتن از نخستین نماد مورد نیاز است، این تنها آغاز بسیاری چالش هاست که باید در کوشش برای افزایش مداوم شدت اقدامات و پایدار نگه داشتن فرایند رشد و نیز توسعه جامعه مورد رسیدگی قرار گیرد. در واقع در برخی موارد، دوستان با سوءبرداشت ها یا موانعی روبه رو شده اند که برای مدتی انرژی شان را ضعیف کرده یا به کاهش قلمرو تلاش های شان منجر شده است. آنها با کسب تجربه به این درک رسیده اند که غلبه بر چالش ها یک بخش ذاتی سفر آنها را تشکیل می دهد.

از این رو، در تلاش برای تشدید فعالیت ها به منظور پیشرفت محدوده های جغرافیایی در راستای پیوستار توسعه، چالش مؤسسات از یک سو این خواهد بود که چگونه پویایی سالم برنامه های نوپای رشد را حفظ کنند و توسعه دهند، و از سوی دیگر این که چطور برنامه های فشرده رشد را در محدوده های جغرافیایی که به نظر می رسد سطح فعالیت و توسعه منابع انسانی در آنها به سطح یکنواختی رسیده است دوباره زنده نمایند. در این زمینه، برخی بینش ها و رویکردها پدید آمده تا دوستان را یاری دهد "قرانتهی از واقعیات اطراف خود داشته باشند، امکانات خویش را تشخیص دهند، از منابع خود استفاده نمایند و به نیازهای ترویج و تحکیم در مقیاس وسیع پاسخ گویند."^{۲۶}

بیت العدل اعظم در پیام رضوان ۲۰۱۰ و در پیام مورخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۱، درباره هدف و سرشت فرایند مؤسسه و اهمیت تقویت کیفیت آن توضیح فرموده اند. با مطالعه عمیق این پیام ها، مؤمنان و مؤسسات به این درک نائل آمده اند که ایجاد یک فرایند سیستماتیک و سرزنده برای توسعه منابع انسانی، چالش اصلی آنها خواهد بود. آنها می دانند که "نهایتاً حصول دست‌آوردهای مستمر کمی منوط به پیشرفت کیفی خواهد بود."^{۲۷} دوستان با جایگزین کردن نگرانی درباره "اعداد"، چه در زمینه فعالیت های اساسی، چه شرکت کنندگان و چه شمار موارد تسجیل، با اعتماد به کارایی فرایند مؤسسه در تواندهی به گروه های فزاینده ای از افراد، تأکید مجددی را بر کیفیت فرایند آموزشی در همه سطوح، به خصوص کیفیت حلقه های مطالعه، قرار می دهند. همان گونه که بیت العدل اعظم در پیام رضوان ۲۰۱۰ فرموده اند: "نقش کسانی که در مقام راهنما خدمت می کنند مهم خواهد بود."^{۲۸} مسئولیت آنهاست تا محیطی ایجاد کنند:

که موجب توان‌دهی روحانی به افراد می گردد تا خود را عوامل فعال یادگیری خویش و دست‌اندرکاران تلاش های مستمر برای استفاده از دانش برای ایجاد تحول فردی و جمعی شمرند.^{۲۹}

با هدف افزایش ظرفیت های انانی که به عنوان راهنما، مشوق و معلم کلاس اطفال خدمت می کنند، مؤسسات آموزشی در سراسر جهان توجه بیشتری را به تقویت کار هماهنگ کنندگان مؤسسه در محدوده جغرافیایی نشان داده اند، هماهنگ کنندگانی که مسئولیت اصلی همراهی با آنان برعهده ایشان است. در دو سال اخیر، ترتیبات مخصوصی صورت پذیرفت تا هماهنگ کنندگان بیشتری بتوانند وقت بیشتری، در بسیاری موارد به صورت تمام وقت، در اختیار گذارند. همچنین، جلساتی برای هماهنگ کنندگان محدوده جغرافیایی شامل مطالعه ژرف مواد آموزشی مؤسسه و تأمل بر مفاهیم حیاتی موجود در آنها، همراه ملاقات های میدانی، در بسیاری از مناطق و کشورها برگزار شد. از این راه، هماهنگ کنندگان مؤسسه توانایی خود را در حمایت از دوستان برای برگزار کردن مطالعه مواد درسی مؤسسه به صورتی که درک را افزایش دهد و اجرا کردن مؤلفه های عملی به صورتی که اطمینان [به نفس] برای خدمت را به وجود آورد، افزایش دادند. در جایی که این نوع از تأمل و بررسی عمیق با ساختار مؤسسات آموزشی و کارکردهای منظم آنها درهم آمیخته شد، پیشرفت کیفی مشاهده شد.

۲-۳ ایجاد ساختارهای بزرگ تر به موازات افزایش پیچیدگی

در محدوده های جغرافیایی که به سطحی از توسعه رسیده اند که "بتوان یک برنامه نوپا جهت ترویج و تحکیم پایدار امر الله را مشاهده نمود"^{۳۰}، نیاز به ساختار اداری به مرور زمان به نحوی طبیعی آشکار می شود و نمی توان با شتاب آن را با یک طرح از پیش تصور شده مربوط ساخت. در آغاز، تلاش های دوستان به طور کلی به وسیله اعضای هیأت معاونت و مساعدین شان هدایت و حمایت می شد. با افزایش تعداد شرکت کنندگان و سطح فعالیت، الگوهای پیچیده تر هماهنگ کنندگی مورد نیاز است. اگر یکی از فعالیت های اساسی بسیار فراتر از سطح دیگر اقدامات رشد می‌یابد، طبیعی است که نخست یک هماهنگ کننده برای این خط از اقدام تعیین شود. برای نمونه، در آن دسته از محدوده های جغرافیایی که در ابتدا تمرکز به سوی افزایش تعداد گروه های نوجوانان سوق داده شد، هماهنگ‌کننده نوجوانان نخستین هماهنگ کننده ای بود که تعیین شد.

بیت العدل اعظم توضیح می فرمایند: "به موازات استقرار مکانیزم‌هایی جهت حمایت از فرایند مؤسسه آموزشی ساختارهای اداری دیگری تدریجاً شکل می‌گیرد."^{۳۱ و ۳۲} پرسش مربوط به ظهور به-

موقع یک لجنة تبلیغ ناحیه ای به شرایط یک محدوده جغرافیایی معین بستگی دارد. در محدوده های جغرافیایی که صرفاً نخستین نماد را پشت سر گذاشته اند، اگر چه تعداد فعالیت ها و منابع انسانی ممکن است در حال افزایش باشد، معمولاً ثابت شده که انتخاب یک فرد به عنوان تسهیل کننده توسعه در محدوده جغرافیایی می تواند برای حمایت از مشارکت مؤمنان و دوستان امر مبارک در ملاقات در منازل، جلسات دعا و دیگر فعالیت های تبلیغی کافی باشد. هسته یک لجنة تبلیغ ناحیه ای عموماً به طور طبیعی از میان گروهی از مؤمنان فعال که ظرفیت همراهی دیگران در خدمت را از خود نشان داده اند، پدیدار می شود.

همانند دیگر ساختارهای یک محدوده جغرافیایی، ابزارهای برنامه ریزی و تأمل و بررسی نیز به طور ارگانیک توسعه یافته اند و با افزایش پیچیدگی، بیش از پیش سازمان یافته، سیستماتیک و متنوع می شوند. تعاملات اولیه غیررسمی، که احتمالاً به وسیله یکی از اعضای هیئت معاونت یا یک مساعد تسهیل می شود، سرانجام به یک جلسه تأمل و بازنگری برای محدوده جغرافیایی و دیگر موقعیت های رسمی و غیررسمی برای تأمل و بازنگری می انجامد؛ موقعیت هایی مانند جلساتی برای هماهنگ کنندگان، راهنمایان، مشوقان یا معلمان کلاس کودکان؛ گروه های سیار؛ یا برای شرکت کنندگانی که در سکتورها، محله ها یا دهکده های مخصوصی از محدوده جغرافیایی کار می کنند.

۳-۳ تشدید مجهودات جامعه سازی در محله ها و دهکده ها

در بیشتر محدوده های جغرافیایی، تعدادی جوامع بهائی وجود دارند. از این رو، اقدامات مربوط به جامعه سازی به طوری طبیعی در همه این محل ها پدید خواهد آمد. شرکت کنندگان در فعالیت های اساسی از میان حلقه وسیعی از تماس ها و احتمالاً از میان بخش های گوناگون یک محدوده جغرافیایی جذب می شوند. در جایی که تعداد مؤمنان اندک است، ممکن است قدری انعطاف پذیری مورد نیاز باشد و احبایی که در جوامع نزدیک زندگی می کنند، ممکن است در مجهودات خود به هم کاری نیاز داشته باشند. در جوامع بزرگ، گردهمایی ها در یک مرکز محلی فرصتی مهیا می سازد تا تعداد زیادی میزبانی شوند و روح ممتاز امر مبارک به منصفه ظهور گذارده شود که سبب تقویت کار در مجموعه های کوچک تر می شود. تلاش هایی که به منظور وارد ساختن حلقه های احبا، برای مثال دانشجویان یا مادران جوان، در فعالیت های اساسی صورت پذیرفته، در کلیت فرایند جامعه سازی پیش رو سهم گران قدری دارد. با تلاش دوستان به منظور کشف خلاقانه امکانات اطراف شان در بخش های بیشتری از محدوده جغرافیایی، از مؤمنان تازه استقبال می شود، منابع انسانی رشد می کند و الگوی زندگی جامعه که به وسیله فعالیت های اساسی شکوفا شده به تدریج گسترش می یابد تا همه مؤمنان و افراد مرتبط با آنها را دربرگیرد. این تلاش ها که ضروری هستند، سرانجام به سرعت و مقیاس طبیعی خود می رسند، و به تنهایی برای دستیابی به فشار لازم جهت به پیش راندن ترویج و تحکیم در مقیاس وسیع بسنده نیستند.

همان گونه که در بخش ۱-۳ مطرح شد، توسعه و تکامل بسیار مطلوب، آن طور که آن گونه که بیت العدل اعظم توضیح می فرمایند، زمانی رخ می دهد که برخی از دوستان، که اغلب مؤمنان جوان هستند "با هر محله عجیب و درآمیخته می شوند و خود را وقف کمک به جمعیت های مستعد در پیشرفت در مسیر توسعه روحانی می نمایند و با این کار مراکز فعالیت فشرده ای را به وجود می آورند." (ترجمه غیرمصوب) این گونه تلاش، که ویژگی متمایز بیشتر محدوده های جغرافیایی پیشرفته است، نوید بزرگی نیز برای همه محدوده های جغرافیایی که احبا در آنها خواهان تشدید فعالیت ها هستند خواهد بود. در برخی موارد، کار در محله ها یا دهکده ها در نتیجه فعالیت های تبلیغی سازمان دهی شده و مستقیم یا یک کمپین با هدف توسعه یک فعالیت اساسی معین آغاز می شود؛ در مواردی

دیگر، افرادی به عنوان مهاجر با این هدف سکونت می یابند و در برخی نیز، دفاتر محدوده جغرافیایی، مؤمنان ساکن در محدوده جغرافیایی را به منظور تشدید بیشتر اقدامات تبلیغی شان در میان همسایگان- شان همراهی می کنند. در محدوده های جغرافیایی که از آغاز، برنامه نوجوانان به عنوان عنصری اصلی در پیشبرد فرایند جامعه سازی در آنها برجسته شده، دفاتر محله هایی با تعداد زیادی از جوانان و نوجوانان را شناسایی می کنند. در انتخاب محله ها یا دهکده ها برای اقدامات متمرکز، مشاهده شده که رواج دادن یکباره فعالیت در مناطق بسیار زیاد می تواند انرژی ها را پراکنده سازد. این تجارب متنوع حاکی از اهمیت این نکته است که احبا دیدگاهی عمیق از یک محله یا دهکده خاص به دست آورند تا واقعیت آن، یعنی منابع، چالش ها و پتانسیل جمعیت آن به منظور کار کردن دوشادوش بهائیان برای آغاز "یک فرایند تقلیب جمعی"^{۳۴} را درک کنند.

هنگامی که یک تیم فداکار از مؤمنان توجه خود را بر رواج دادن فعالیت در یک محله یا دهکده متمرکز می دارد، باید به این دوستان آزادی عمل داده شود تا به نحوی هماهنگ با یک فرایند ارگانیک درحال ظهور فعالیت کنند و حمایت مناسب از سوی مؤسسات شامل حالشان گردد. آنها برای یادگیری نحوه پاسخگویی به مقتضیات رشد در یک جمعیت مستعد نیاز به زمان دارند: این که چطور روابط دوستی حقیقی را به وجود آورند، این که چه فعالیت های تبلیغی مؤثر هستند، و این که چگونه می توان منابع را برای حفظ چنین فرایند رشدی هدایت نمود. ضروری و حتی متمر ثمر نیست که همه افراد محدوده جغرافیایی بر محله متمرکز شوند. با این همه، اغلب دیده شده که پیشرفت در یک محله یا دهکده می تواند انرژی و خوش بینی تازه ای را در اقدامات دیگر بخش های محدوده جغرافیایی القا کند و انگیزه تازه ای برای حرکت رو به پیش خود و برای فرایند جامعه سازی در حال اجرا در همه مناطق مهیا سازد.

با متمرکز شدن چندین فعالیت در مناطق کوچک و نسبتاً منسجم در یک محله یا دهکده، تأثیر دگرگون ساز نیروهای روحانی و اجتماعی مشغول به کار، راحت تر از پیش مورد توجه کل جمعیت قرار می گیرد. والدین می بینند که کودکان و جوانان شان پیش چشم آنها درحال پیشرفت اند و می فهمند که مناسبات اجتماعی جامعه آنها با روحی تازه عین گردیده است. گاهی اوقات، همه اعضای یک خانواده به مشارکت جستن در زندگی جامعه بهائی جذب می شوند و تعالیم آن را می پذیرند. و اقدامات نهایتاً "توسط منابع انسانی بومی محله یا دهکده یعنی زنان و مردانی که مشتاق بهبود شرایط مادی و معنوی محیط اطراف خود هستند، تداوم پذیرد."^{۳۵}

۴-۳ شناسایی موانع پیش روی پیشرفت پایدار و غلبه بر آنها

در صدها محدوده جغرافیایی پیشرفته که در نقشه پیشین برنامه های فشرده رشد در آنها آغاز شده بود، مؤمنان به پیشرفتی مستحکم دست یافته اند که آنها را قادر می سازد دومین نماد را به سوی مرزهای یادگیری سپری کنند. با این همه، در صدها محدوده جغرافیایی دیگر، دوستان با موانعی روبرو شده اند که به طور چشمگیری پیشرفت مداوم شان را بازداشته یا حتی به کاهش مشارکت و فعالیت منتج شده است و آنها را واداشته تا به بررسی و تأمل درباره رویکرد اتخاذ شده و بازبینی آن بپردازند تا بیاموزند چگونه بر مشکل فائق آیند. مروری بر برخی چالش ها و تصورات اشتباهی که در چنین محدوده های جغرافیایی به وجود می آید ممکن است آنانی را که با مشکلات مشابهی روبه رو می شوند در ارزیابی مناسب وضعیت شان و اعمال تعدیل های لازم و به موقع یاری رساند.

در برخی موارد، چالش ها در نتیجه ناتوانی در تأسیس یک جنبه حیاتی از چارچوب اقدام و عمل به وجود می آمد. برای مثال، در محدوده های جغرافیایی معینی، فرایند مؤسسه ریشه نگرفته بود و از

این رو، رابطه میان مطالعه و خدمتی که ذاتی دوره های مؤسسه است درک نشد. بنابراین، به جای منجر شدن به فرایندی ارگانیک که در آن تعدا فزاینده ای از افراد فعالیت های افزون تری را انجام می دهند، مسئولیت های روزافزونی بر عهده تعداد اندکی از مؤمنان قرار می گیرد. تنها وقتی چالش مربوط به توسعه منابع انسانی برطرف گردید، گستره اقدامات بسط یافت. در دیگر محدوده های جغرافیایی، دوستان به آسانی مؤمنان تازه ای تسجیل کردند، ولی در کمک به درصد قابل توجهی از ایشان برای طی کردن دوره های متسلسل و ورود به یک مسیر خدمت با چالش روبرو بودند. همچنین، نمونه هایی بوده است که دوستان فعالیت های اساسی متعددی را بدون بذل توجه مقتضی به تبلیغ و دعوت شرکت کنندگانی از جامعه بزرگ تر، در میان خود آغاز کردند. گاهی اوقات، جلسات بررسی و تأمل به جای ایجاد فرصتی برای یادگیری از تجربه ها و بازنگری مجدد اقدام مطابق با آن، تمرکز بیش از حد بر برنامه ریزی یا دستورکارها داشتند.

گاهی اوقات، در حین رسیدگی به وجوه تازه و در حال تولد یک برنامه رو به تکامل رشد، سوءتفاهماتی رو گشودند یا در برخی موارد، توجه به جنبه تازه ای از کار، سهواً به نادیده گرفتن دیگر جنبه ها انجامید. برای مثال، در برخی جاها، بین کمپین های تبلیغی جمعی و مسئولیت تبلیغ فردی دوگانگی دیده شد، در صورتی که در حقیقت، هر عمل تبلیغی نشانگر پاسخی از سوی جامعه به نقشه ملکوتی حضرت مولی الوری است. گاهی اوقات، تمرکز بر محله ها به این امر تعبیر شد که فعالیت های اساسی که شرکت کنندگانی را از بخش های مختلف محدوده جغرافیایی جذب می نمود، دیگر نباید حفظ شود. گاهی نیز "این تمایل که تمرکز را با یکنواخت بودن یا انحصاری کردن مجهودات اشتباه می گیرند"^{۳۶} وجود داشت، که به اصرار در تنها یک رویکرد تثبیت شده یا برعکس، بر این اندیشه که همه افراد می توانند هرگونه اقدام ابتکاری که می خواهند برقرار سازند، انجامید.

در کار مربوط به ترویج و تحکیم، بیت العدل اعظم مکرر فرموده اند که اشتباهات غیر قابل اجتناب خواهد بود و چالش های تازه خود را نشان خواهند داد. موانع، هرگاه به وجود آیند، نهایتاً با ثابت قدمی و تجربه بیشتر برطرف خواهند شد. از بحث های بی فایده، پافشاری بر دیدگاه های شخصی، ایجاد دوگانگی های کاذب، یا "تمایل به تقلیل یک فرایند پیچیده تقلیب روحانی به چند گام ساده بر طبق مقررات یک دستورالعمل"،^{۳۷} می توان با دقت پرهیز کرد یا حکیمانه بر آنها چیرگی یافت. این یادگیری به همراه یکدیگر است که بینش های لازم را به دست می دهد تا "موانع به وسیله ای برای پیشرفت" تبدیل شوند.^{۳۸}

۵-۳ دستیابی به جوانان در میان جمعیت های مستعد

همان گونه که در بخش ۱-۲ توضیح داده شد، تجربه تولید شده در بسیاری از پیشرفته ترین محدوده های جغرافیایی کارایی راهبردی با توجه متمرکز بر وارد کردن جوانانی از اجتماع بزرگ تر در خدمت به فرایند جامعه سازی را نشان داده است. همین رویکرد در تأسیس یا تقویت برنامه های فشرده رشد مؤثر بوده است. همان طور که در نامه ای نوشته شده از جانب معهد اعلی بیان شده است:

با تکثیر گروه های پرطراوت نوجوانان، یک جامعه آموخته های فراوانی کسب می کند، از جمله در این که منابع انسانی قابل چگونه افزایش می یابند؛ ظرفیت خدمت چگونه در میان گروه هایی از افراد ازدیاد می یابد؛ یک برنامه در حال بسط را چگونه می توان هماهنگ کرد؛ و این که آغاز یک فعالیت چگونه می تواند به طور کاملاً طبیعی، به پدیدار شدن فعالیت های دیگر انجامد. و در نتیجه آشکار شدن فرایند

آموزشی به صورت ارگانیک و توسعه روحانی و اخلاقی مداوم شرکت کنندگان، کلیه وجوه برنامه رشد، در زمان مناسب، بسط یافته و تقویت می شود.^{۳۹} (ترجمه غیر مصوب)

در محدوده جغرافیایی توسکانی در شمال غرب ایتالیا، سطح فعالیت به میزان یکنواختی رسیده بود و مؤمنان کارآموده دسترسی به جوانان مستعد را پرچالش یافتند. با یاری هماهنگ کننده نوجوانان و هیئت تبلیغ، کمپینی متمرکز بر گسترش برنامه نوجوانان در محله های شهر لیورنو که مؤمنان در آنجا با جمعیتی مستعد تعامل داشته اند آغاز گردید. ده جوان از اطراف کشور ایتالیا سه هفته را در لیورنو به دعا، مطالعه و آماده سازی برای چگونگی گفتگو درباره برنامه نوجوانان سپری کردند. در نتیجه این کمپین، ۱۲ جوان از اجتماع گسترده تر در یک برنامه آموزشی فشرده دو هفته ای کتاب ۱ و ۵ برای آماده شدن جهت خدمت به عنوان مشوق شرکت جستند. تجربه تمرکز بر این گروه سنی خاص در یک محله مستعد، دورنمای جامعه ای را که برای افزایش مشارکت در فعالیت های اساسی با مشکل رو به رو بود تغییر داد. آن گونه که دو نفر از مؤمنان بزرگسال نوشته اند: "همه ما احساس می کنیم که لیورنو دیگر مانند قبل نیست. یک آگاهی تازه، یک انرژی تازه و یک بینش تازه به وجود آمده است." تقریباً هر عضو جامعه محلی هم اکنون در فعالیت های نقشه وارد شده است، از جمله برخی در یک هیئت تبلیغ ناحیه ای جدید خدمت می کنند، و برخی که جلسات دعایی برای تازه مؤمنان و متحریان در خانه های خود برگزار می نمایند، و تقریباً همه برای دسترسی به جوانان می کوشند. تجارب مشابهی از این دست در تمامی قارات پدیدار شده است.

البته همه مؤمنان نمی توانند مستقیماً با گروه های نوجوانان که احتمالاً عموماً در محله ها یا دهکده های خاصی در محدوده جغرافیایی شان متمرکز هستند کار کنند. با این همه، ثابت شده است که دانش درست از این برنامه برای همه کسانی که در کار نقشه شرکت دارند گرانها خواهد بود، زیرا بینش های حاصله به شکل گیری گفتمانی با جامعه بزرگ تر درباره رسالت امر مبارک در جهت سهیم شدن در بهسازی عالم کمک می کند. در محدوده جغرافیایی ایستولی در آمریکا، دوستانی که در گروه های سیار تبلیغی و به عنوان مشوق خدمت می کردند، مدتی روی یادگیری نحوه مشارکت مؤثر جوانان و خانواده های آنها از یک محله مستعد در گفتگویی مؤثر و متعالی درباره برنامه نوجوانان، متمرکز بودند. به مرور زمان، با به ثمر رسیدن تلاش های شان، این گفتگو در میان همه دوستانی که در فعالیت هایی در سراسر محدوده جغرافیایی شرکت داشتند، چه مرتبط با گروه های نوجوانان و چه غیر آن، منتشر شد. این امر نه تنها به تکثیر گروه ها کمک کرد، بلکه با کمک به احباً در تجسم و توصیف تلاش های شان در بستر گسترده تر جامعه سازی و دگرگون سازی اجتماعی، کل برنامه رشد را غنی تر ساخت. d.

۶-۳ دوستی های مداوم

"روح خدمت صمیمانه"^{۴۰} که از طریق فرایند مؤسسه ترویج می شود، روح شوق انگیزی در آن دسته از محدوده های جغرافیایی است که در آنها تشویق و یاری رسانی از طریق تعهدی عمیق برای همراهی همدیگر در پیمودن یک مسیر خدمت بروز می کند. این عنصر حیاتی موجود در فرهنگ درحال تولد بهائی از طریق کیفیت تعاملات میان دوستان به منصفه ظهور می رسد. با کار شانه به شانه، سهیم شدن در سرور و مشکلات همدیگر، پیوندهای عشق و دوستی ایجاد می شود که اساس

دوستی های مداوم است. اگر این روح وجود نداشته باشد، هیچ ساختار یا فرایندی نمی تواند جای خالی روح دوستی مهرآمیز را جبران کند.

در جایی که ایمان به ظرفیت دیگران، منش یادگیری متواضعانه، حمایت و مساعدت متقابل، صبر و شکیبایی، انعطاف پذیری و بخشندگی، و دوستی محبت آمیز و تشویق یافت شوند، همه عناصر چارچوب عمل به هم انسجام می یابند و پیشرفت می کنند. همان گونه که بیت العدل اعظم توضیح فرموده اند: "عمل کرد قوای روحانی در میدان خدمت به طور روزافزون نمایان می شود و پیوندهای دوستی که برای یک الگوی صحیح رشد جنبه حیاتی دارد مستمراً تقویت می گردد." ^{۴۱}

۴- تقویت ظرفیت تشکیلاتی به منظور حمایت از حرکت محدوده های جغرافیایی بحث پیشین در بخش ۱-۴ و ۳-۲ درباره ترتیبات اداری تأکید می کند که ساختارهای درون محدوده جغرافیایی در پاسخ به رشد و یک چارچوب فعالیت رو به گسترش چطور تکامل می یابند و با پیچیدگی های دائم التزاید تطبیق می یابند. این بخش ساختارها و فرایندهایی را در سطح منطقه ای و ملی بررسی خواهد کرد که سازمان ها در آنها می کوشند "مکانیزم هایی را ایجاد و تلطیف نمایند که به پیشبرد الگوی رشد محدوده جغرافیایی و فرایند یادگیری مربوط به آن کمک نماید." ^{۴۲}

باید اشاره کرد که با وجود تکامل چشمگیر طرح هماهنگ سازی در دو سال نخست نقشه جاری، تعریف کردن یک الگوی خاص که همزمان با حرکت محدوده های جغرافیایی به سوی مرزهای یادگیری، در همه جا مورد پیروی قرار گیرد، کاری ناپخته است. تجارب بیشتری مورد نیاز است و باید در طول زمان هدایات فزاینده ای از سوی بیت العدل اعظم فراهم آید. با این همه، امید می رود پیش هایی که در مورد ساختارها و فرایندهای اداری در این بخش از سند ارائه شده، اگرچه ماهیتاً مقدماتی اند، سازمان ها را در کشورها و مناطق گوناگون یاری کند تا همگام با پیچیدگی مربوطه به حرکت تعداد فزاینده ای از محدوده های جغرافیایی در طول پیوستار توسعه به پیش روند.

۱-۴ مؤسسات آموزشی

تعداد ۳۰۰ مؤسسه آموزشی در سراسر جهان وجود دارد که حدود یک سوم آنها در سطح منطقه ای فعالیت می کنند. برخی از این نهادها هم اکنون به حدی از رشد رسیده اند که به سازمان های بزرگ و پیچیده ای تبدیل شده اند و با چندین هماهنگ کننده تمام وقت و پاره وقت و یاوران آنها صدها فعالیت مشتمل بر هزاران شرکت کننده را برپا می دارند. برای سالیان متعدد، بیشتر کار مؤسسه، از جمله نظارت بر مسائل اداری و توسعه برنامه ها، برعهده هماهنگ کنندگان ملی یا منطقه ای بود. درحالی که مسئولیت های این هماهنگ کنندگان همچنان مهم هستند و در حقیقت، با گسترش طیف فعالیت مؤسسات به هزاران محدوده جغرافیایی دیگر، تنها بر پیچیدگی آنها افزوده شده، ضروری بوده است که اعضای هیئت های مدیره مؤسسه را نیز به طور کامل تری در فعالیت وارد سازند.

محافل ملی یا شوراهای منطقه ای، با مشورت با مشاورین، افرادی را که در خدمت به عنوان راهنما، مشوق، معلم کلاس های کودکان شرکت مستقیم داشته اند یا پیش تر هماهنگ کننده بوده اند و با ساختار مؤسسه آشنا هستند، به عنوان اعضای هیئت مدیره مؤسسه تعیین می کنند. درک درستی از رابطه میان توسعه منابع انسانی و رشد پایدار نیز ضروری است. با چنین ذخیره تجربه، هیئت های مدیره به طور فزاینده مسئولیت تنظیم برنامه ها و بودجه های سالانه، سازماندهی جلسات بررسی و تأمل دوره ای با هماهنگ کنندگان، تسهیل جریان بودجه ها، و همکاری با دیگر سازمان ها را برعهده می گیرند. همچنین هیأت مدیره نیازمند آنست که به طور منظم با مشاورین و معاونین ایشان در تماس

باشند، از طریق ارتباط مداوم و گاه جلسات مشترک رابطه ای نزدیک و تعاونی با شورای منطقه ای یا در غیاب آن، با خود محفل ملی، داشته باشد.

یکی از ملاحظات اصلی هیئت مدیره و همه سازمان های حامی مؤسسه، طرح هماهنگی و نحوه همراهی شدن هماهنگ کنندگان در هر سطح در خدمات شان است. هماهنگ کنندگان ملی و منطقه ای، با گرد هم آوردن هماهنگ کنندگان محدوده جغرافیایی در فواصل معین و تشکیل جلساتی برای تبادل تجارب و با ملاقات آنها در میدان [خدمت] برای پشتیبانی از کارهای هر روزه ایشان، از تعداد فزاینده ای از این هماهنگ کنندگان حمایت می کنند. آنها همچنین تضمین می کنند که منابعی مانند بودجه ها و مواد آموزشی به موقع به محدوده جغرافیایی می رسد و هماهنگ کنندگان محدوده جغرافیایی برای همکاری با دیگر دفاتر و سازمان ها در تعامل هستند. در جایی که فعالیت در تعداد چشمگیری از محدوده های جغرافیایی در حال انجام شدن است، شاید حتی سازمان دهی کار هماهنگ کنندگان در خرده مناطق نیز ضروری باشد. ساختارهای معین مناسب با شرایط یک منطقه هر چه باشند، باید موقعیت های متنوعی وجود داشته باشد که دوستانی را که به عنوان هماهنگ کننده خدمت می کنند گرد هم آورد تا از تجربه هم دیگر بیاموزند، هدایات تازه را بررسی کنند و بر برنامه اقدامات خود تأمل و آن را بازنگری نمایند.

برخی منس ها و توانایی ها وجود دارد که باید در هماهنگ کنندگان در همه سطوح رواج یابد، از جمله: درک و فهم ژرف از ماهیت، هدف، و روش های مؤسسه آموزشی؛ تعهد به فرایند جامعه سازی؛ شناخت ضرورت پروراندن پتانسیل های دیگران؛ وقف خود در یادگیری؛ روح تشریک مساعی؛ و آمادگی برای حمایت از دیگران و حمایت شدن از جانب آنها به منظور تمسک به روش حیات بهائی. تجارب سالیان اخیر به روشنی نشان می دهد که هماهنگ کنندگان نیازمند آند تا به آنها اجازه داده شود به مدت چند سال به خدمت مشغول شوند تا ظرفیت مورد نیاز در آنها به وجود آید، و ابزاری خلاقانه باید توسعه یابد تا آنان را قادر سازد دوره ای از زندگی خود را به این میدان تلاش اختصاص دهند، که در مورد جوانان می تواند متصل با تداوم تحصیلات شان باشد.

۴-۲ جایگاه های یادگیری برای برنامه تواندهی روحانی نوجوانان

همان گونه که پیش تر توضیح داده شد، فرایند سیستماتیک یادگیری درباره برنامه تواندهی روحانی نوجوانان انگیزه رشد و جامعه سازی را به طور کلی فراهم آورده است. ساختار رسمی این فرایند یادگیری هنگام نقشه پنج ساله پیشین پدیدار گشت، آن هنگام که شماری از محدوده های جغرافیایی دارای پیشرفت چشمگیر در اجرای برنامه نوجوانان به عنوان جایگاه های انتشار یادگیری معین شدند. هم اکنون، چنین جایگاه هایی که تعدادشان به بیش از ۴۰ می رسد و در مراحل گوناگون توسعه هستند، با نفوس کاردان مرتبط با آنها، هر یک از شبکه ای متشکل از تقریباً ده محدوده جغرافیایی پشتیبانی می کنند. در میان این حدوداً ۴۰۰ محدوده جغرافیایی تقریباً همه از پیشرفته ترین محدوده های جغرافیایی عالم هستند. دارد ثابت می شود این ساختار یادگیری سیستماتیک که در حال حاضر یک مؤلفه حیاتی چارچوب تشکیلاتی برای پیشبرد جامعه سازی است، منبعی گرانقدر برای مشاورین و معاونین آنها، محافل ملی، شوراهای منطقه ای، و موسسات آموزشی است. بیت العدل اعظم توضیح می فرماید:

حوزه های یادگیری در این جایگاه ها و محدوده های جغرافیایی مرتبط با آنها شامل ظرفیت مشوقان، دینامیک گروه های نوجوانان، و طرح هماهنگی لازم برای حمایت

از توسعه برنامه در میان جمعیت های متنوع است؛ این یادگیری سپس در اختیار مؤسسات آموزشی قرار می گیرد. کارآیی برنامه با برگزاری سمینارهای آموزشی توسط نفوس کاردانی که در جایگاه های یادگیری مشغول به خدمت اند و همکاری نزدیک آنان با هماهنگ کنندگان محدوده جغرافیایی در اقدامات شان به منظور افزایش تعداد مشوقان و گروه های نوجوانان، به طور وسیعی تقویت می گردد.^{۴۳}

(ترجمه غیر مصوب)

۳-۴ شوراهای منطقه ای بهانی

شوراهای منطقه ای با داشتن مسئولیت اصلی "نظارت بر اجرای نقشه پنج ساله در مناطق تحت اختیارشان"^{۴۴} (ترجمه غیر مصوب) در حال حاضر می دانند که وظیفه اصلی آنها تضمین حرکت محدوده های جغرافیایی در طول یک پیوستار غنی و پویای رشد است، از حمایت جاهایی که نخستین جنبش های فرایند رشد مشهود است گرفته تا تقویت مکان هایی که مرزهای یادگیری را به پیش می برند. این امر علاوه بر فعالیت شوراها با مؤسسه آموزشی، از راه یاری سازمان ها، نهادها و مؤمنان در سطح محدوده جغرافیایی انجام می پذیرد.

شوراهای منطقه ای به عنوان بخشی از مسئولیت خود "پدیدار شدن به موقع لجنه های تبلیغ ناحیه ای و عملکرد پویای آنها"^{۴۵} (ترجمه غیر مصوب) را تضمین می کنند. در طول نقشه پنج ساله پیشین، شوراها تجارب فراوانی در راستای ترویج عملکرد مؤثر لجنه های تبلیغ ناحیه ای از طریق گردهمایی هایی به منظور جهت دهی، مشورت، و برنامه ریزی و همین طور ملاقات هایی به وسیله منشی شورا یا دیگر دوستان تعیین شده برای پیگیری فعالیت لجنه ها و پیشرفت محدوده جغرافیایی، به دست آوردند. هدف این تعاملات، علاوه بر ارزیابی نقاط قوت و چالش های هر محدوده جغرافیایی، تمرکز بر ظرفیت سازی در لجنه ها، مخصوصاً در منشی های شان بود. تجربه مفید دیگر، برگزاری جلسه ای دوره ای به منظور بررسی و تأمل توسط افراد کلیدی در سطح منطقه بوده که هر سه یا شش ماه یک بار، تشکیل می گردید و هدف آن ارزیابی نحوه حمایت از لجنه های تبلیغ ناحیه ای و نحوه کمک آنها به توسعه محدوده های جغرافیایی بوده است. چنین جلساتی شامل منشی شورا، مشاور یا اعضای هیئت معاونت، هماهنگ کنندگان منطقه ای مؤسسه و دیگر اعضای شورا یا مسئولین مربوط به پیگیری حرکت محدوده های جغرافیایی است.

شوراهای منطقه ای همراه با مسئولیت هایی که در میدان عمل دارند، وظایف اداری مخصوصی را نیز دنبال می کنند. آنها می کوشند سیستم ها و سازوکارهای مؤثری را برقرار سازند تا جریان بودجه، اطلاعات، یادگیری و منابع انسانی، مثل مهاجرین، را تضمین نمایند. گستره فعالیت منشی های شوراها که شامل نظارت بر عملکرد اداری و میدانی و در برخی موارد، دارایی هاست، در حال افزایش است و نیازمند آن است که افراد بسیاری ساعت ها وقت خود را که معادل با خدمتی تمام وقت است، به این امور اختصاص دهند. به منظور مدیریت طیف وسیع وظایف، دفاتری با عملکرد خوب و کادر حامی در حال پدیدار شدن است.

۵- قوای اجتماع سازی امر مبارک

در طول دهه های بسیار، نسل های بهائیان کوشیده اند تعالیم حضرت بهاءالله را در زندگی فردی و جمعی خود به کار برند. مؤمنان با الهام همیشگی از بینش دورمنظر یک نظم نوین جهانی و

تمدنی ملکوتی به پیش رفته اند و خود را وقف دست یابی به اهداف نقشه های متوالی جهانی کرده اند. همان گونه که حضرت شوقی افندی نوشته اند، این دیدگاه از تمدنی جهانی، چنان است که " نظیرش را چشم احدی ندیده و شبهش به تصوّر احدی در نیامده است." ^{۴۶} ایشان با اشاره به کوشش های پیروان حضرت بهاءالله، که در آن هنگام تعدادشان اندک بود، فرمودند:

آنانند که با وقوف از رسالت عظیمشان و با اعتماد بر قوه خلاقه آئینشان که سازنده جامعه انسانی است، بدون وقفه و بی ترس و واهمه به پیش می تازند و وسائل و اسبابی را که برای پرورش جنین نظم جهانی حضرت بهاءالله لازم است فراهم میسازند. ^{۴۷}

قوای دگرگون ساز و سازنده مودوعه در امر الهی در محدوده های جغرافیایی پیشرفته به تدریج به ظهور می رسند، محدوده هایی که در آنها بهائیان دوشادوش همسایگان خود در فرایندی جمعی کار می کنند و با اقدام اجتماعی و مشارکت در گفتگوهای بی شمار، یاد می گیرند به آگاهی اجتماعی مضاعفی که به طور طبیعی از مشارکت فشرده در فعالیت های اساسی برون می تراود، پاسخ دهند. بیت العدل اعظم فرموده اند:

یکی از ویژگی های بارز دوازده ماه گذشته ذکر مکرر نام جامعه بهائی در رابطه با فعالیت در زمینه هایی بسیار متنوع و هم کاری با گروه های هم فکر برای بهبود اجتماع بوده است. رهبران فکری در سطوح مختلف اجتماع، از دوایر بین المللی گرفته تا جوامع روستانشین، این نکته را اذعان کرده اند که بهائیان نه تنها قلباً خواهان رفاه عالم انسانی هستند بلکه درباره آنچه باید انجام شود درکی روشن دارند و از ابزاری مؤثر برای تحقق آمال خود برخوردارند. ^{۴۸}

جامعه بهائی هم اکنون، بیش از پیش بر به پیش راندن "ابعاد گوناگون و متنوع بنای مدنیت" ^{۴۹} توانا است. با اندیشیدن به پیچیدگی فرایند و چالش های تکرار شونده پیش رو، تردیدی نیست که همان گونه که حضرت مولی الوری توضیح فرمودند برای کار استقرار "تمدن حقیقی"، ^{۵۰} "همّت همّت غیرت غیرت لازمست." ^{۵۱} در عین حال، دوستان با تفکر در جلوه های بی شمار عشق ملکوتی حضرت بهاءالله و شواهد قدرت غالبه ایشان در زندگی های خویش، به پیش می روند و "با کمال مسرت و اطمینان و استمرار" ^{۵۲} کار می کنند تا استعدادها و انرژی های خود را صرف نظر از محل سکونت شان تقدیم تلاش هایی کنند که به "آنچه که سبب حیات عالم و نجات امم است" ^{۵۳} می انجامد.

- ۱ پیام رضوان ۲۰۱۳ بیت العدل اعظم به بهائیان عالم.
- ۲ پیام مورخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۱ بیت العدل اعظم به کلیه محافل روحانی ملی.
- ۳ پیام رضوان ۲۰۱۳.
- ۴ همان.
- ۵ همان.
- ۶ همان.
- ۷ پیام رضوان ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم به بهائیان عالم.
- ۸ از لوحی منتشر شده از حضرت بهاءالله.
- ۹ پیام مورخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۱.
- ۱۰ همان.
- ۱۱ پیام مورخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۵ بیت العدل اعظم به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای.
- ۱۲ پیام رضوان ۱۳۹۲.
- ۱۳ همان.
- ۱۴ پیام مورخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای.
- ۱۵ پیام رضوان ۲۰۱۰.
- ۱۶ پیام مورخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰.
- ۱۷ پیام رضوان ۲۰۱۰.
- ۱۸ همان.
- ۱۹ پیام مورخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰.
- ۲۰ پیام مورخ ۲۳ مه ۲۰۱۱ بیت العدل اعظم به بهائیان عالم.
- ۲۱ پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰.
- ۲۲ همان.
- ۲۳ همان.
- ۲۴ پیام رضوان ۲۰۱۰.
- ۲۵ پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰.
- ۲۶ همان.
- ۲۷ پیام رضوان ۲۰۱۰.
- ۲۸ همان.
- ۲۹ همان.
- ۳۰ پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰.
- ۳۱ همان.
- ۳۲ همان.
- ۳۳ نامه مورخ ۹ اوت ۲۰۱۲ از طرف بیت العدل اعظم به محفل روحانی ملی ایالات متحده.

- ۳۴ پیام رضوان ۲۰۱۰.
- ۳۵ همان.
- ۳۶ پیام مورخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۵.
- ۳۷ پیام مورخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰.
- ۳۸ همان.
- ۳۹ نامه مورخ ۱۴ نوامبر ۲۰۱۲ از طرف بیت العدل اعظم به محفل روحانی ملی ایالات متحده.
- ۴۰ پیام مورخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰.
- ۴۱ همان.
- ۴۲ همان.
- ۴۳ نامه مورخ ۷ اوت ۲۰۱۲ از طرف بیت العدل اعظم به محفل روحانی ملی آلمان.
- ۴۴ نامه مورخ ۲۳ ژانویه ۲۰۱۱ از طرف بیت العدل اعظم به محفل روحانی محلی کولومبیز و کوربووا در فرانسه.
- ۴۵ نامه مورخ ۹ اوت ۲۰۱۲ از طرف بیت العدل اعظم به محفل روحانی ملی ایالات متحده.
- ۴۶ حضرت ولی امرالله، نظم جهانی بهائی (ترجمه و اقتباس هوشمند فتح اعظم، مؤسسه عصر جدید، آلمان، نشر سوم، سپتامبر ۲۰۱۰) ص ۱۲۱.
- ۴۷ همان، ص ۱۰۹.
- ۴۸ پیام رضوان ۲۰۱۳.
- ۴۹ پیام رضوان ۲۰۱۰.
- ۵۰ همان، ص ۹۷.
- ۵۱ حضرت عبدالبهاء، رساله مدنیه (چاپ چهارم، لانگنهاین آلمان، ۱۴۱ بديع/۱۹۸۴ میلادی)، ص ۷۸.
- ۵۲ پیام رضوان ۱۵۳ [۱۹۹۶] بیت العدل اعظم به بهائیان عالم.
- ۵۳ حضرت بهاءالله، کتاب عهدی.